

حق جانشینی



آموزش

دکتر غلامحسین جباری

دکتر محمد هوشنگی

حق جانشینی

SUBROGATION RIGHT

در بیمه اموال ممکن است پس از پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر، کل مورد بیمه و یا قسمتی از آن که خسارتش پرداخت شده به طریقی بازیافت شود. مثلاً یک خودروی مسروقه کشف گردد و یا در حادثه‌ای که موجب بروز خسارت شده است و این حادثه مقصر داشته و امکان مطالبه خسارت از وی وجود داشته باشد، این حق بیمه‌گر است که بازیافتی را تملک کرده و یا خسارت پرداختی را از شخص یا اشخاصی که مسئول وقوع حادثه می‌باشند، مطالبه نماید. این حق به نام «حق جانشینی» معروف است. حق جانشینی، موجب می‌شود که بیمه‌گذار پس از دریافت خسارت، نسبت به مورد بازیافتی ادعایی نداشته باشد؛ مگر اینکه بیمه‌گر در محاسبه خسارت، ارزش بازیافتی را در نظر داشته و آن را از خسارت کسر کرده باشد. همچنین با توجه به حق جانشینی، بیمه‌گذار حق مراجعه به مسئول حادثه و مطالبه خسارت از وی را از دست می‌دهد.

حق جانشینی بیمه‌گر بر پایه اصل غرامت (جبران خسارت) استوار است که براساس آن بیمه نباید برای بیمه‌گذار منشاء سود قرار گیرد. بیمه فقط جبران خسارت می‌کند. بنابراین، بیمه‌گذاری که خسارت خود را از بیمه‌گر دریافت می‌کند، حق مراجعه به مسئول حادثه و دریافت خسارت از وی را نخواهد داشت. همچنین بیمه‌گذاری که خسارت کالای مفقود شده را از بیمه‌گر دریافت می‌کند در صورت کشف آن کالا، حقی نسبت به بازیافتی ندارد. آنچه بازیافت می‌شود، متعلق به بیمه‌گر خواهد بود. این سؤال همچنان مطرح است که در صورت بازیافت مورد بیمه، چنانچه ارزش بازیافتی بیش از خسارت پرداخت شده باشد، آیا بیمه‌گذار حق دارد مازاد آن را از بیمه‌گر مطالبه نماید؟

قبل از این که به پرسش فوق پاسخ داده شود به این موضوع اشاره می‌کنیم که در ماده ۳۰ قانون بیمه، تنها به یک مورد حق جانشینی اشاره شده و آن موردی است که خسارت در نتیجه عمل شخصی یا اشخاصی وارد شود که مسئول حادثه می‌باشند. در این صورت

بیمه‌گر حق دارد پس از پرداخت خسارت به آنها مراجعه و خسارت وارده را مطالبه نماید. ماده ۳۰ قانون بیمه می‌گوید: «بیمه‌گر در حدودی که خسارت‌های وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم مقام بیمه‌گذار خواهد بود و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود». در حالی که قلمرو حق قائم‌مقامی یا جانشینی بیمه‌گر به شرحی که اشاره شد وسیع‌تر از مورد فوق است. حق جانشینی به معنی عام کلمه، ناظر به هر حالتی است که امکان تأمین تمام یا بخشی از خسارت پرداخت شده توسط بیمه‌گر از هر مرجعی وجود داشته باشد. مثلاً در بیمه کشتی، چنانچه کشتی غرق شود، بیمه‌گذار حق دارد خسارت خود را بر مبنای از بین رفتن کلی مورد بیمه (TOTAL LOSS) از بیمه‌گر دریافت نماید و بازیافتی نیز براساس حق جانشینی متعلق به بیمه‌گر خواهد بود. بیمه‌گر حق دارد نسبت به نجات کشتی و یا قطعاتی از آن اقدام نماید. در صورت غرق شدن کالا بدون این که متصدی حمل مسئول خسارت آن باشد (حوادث FORCE MAJEUR) نیز بازیافتی به بیمه‌گر تعلق خواهد داشت.

در باره این سؤال که در صورت کشف مورد بیمه مفقود شده، چنانچه ارزش آن بیش از خسارت پرداختی بیمه‌گر باشد آیا ما به التفاوت متعلق به بیمه‌گذار است و یا این که بیمه‌گر به استناد حق جانشینی، کل بازیافتی را تملک خواهد کرد؟ بدیهی است این سؤال در مورد مطالبه خسارت از مسئول حادثه مطرح نیست؛ زیرا ماده ۳۰ قانون بیمه می‌گوید: «بیمه‌گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت می‌کند... قائم‌مقام بیمه‌گذار خواهد بود...» طبق این ماده، بیمه‌گر حق ندارد بیش از خسارت پرداختی به بیمه‌گذار، مبادرت به مطالبه خسارت از مقصر حادثه نماید و چنانچه برای نمونه خسارت بیشتری به علت مفقود شدن مورد بیمه یا سرقت پرداخت می‌شود، همین حکم جاری است؛ یعنی بیمه‌گر حق تملک بیش از خسارت پرداختی را ندارد و مازاد آن باید به بیمه‌گذار مسترد گردد. مگر این که طبق قرارداد دیگری، بیمه‌گذار از مطالبه مازاد صرف‌نظر نماید. مثلاً در بیمه بدنه اتومبیل، چنانچه خسارت به علت سرقت اتومبیل پرداخت شود، بیمه‌گذار سند آن را به بیمه‌گر منتقل می‌نماید. در این

صورت پس از کشف خودرو، مالک آن بیمه‌گر خواهد بود. این در حالی است که گاهی ارزش خودروی کشف شده به مراتب از خسارت پرداختی توسط بیمه‌گر که معمولاً با کسر ۲۰ درصد فرانشیز صورت می‌گیرد، بیشتر است.

به نظر می‌رسد که این ترتیب جبران خسارت در بیمه سرقت اتومبیل که با انتقال سند بازیافتی به بیمه‌گر صورت می‌گیرد با روش ترک مالکیت (ABANDONMENT) که روش استثنائی مطالبه خسارت از بیمه‌گر می‌باشد، شباهت دارد. در روش ترک مالکیت که موارد آن محدود می‌باشد، بیمه‌گذار حق دارد مورد بیمه آسیب دیده یا مفقود شده را به بیمه‌گر منتقل نموده و خسارت خود را بر مبنای مبلغ بیمه شده دریافت نماید. در این صورت، بازیافتی هر چه باشد متعلق به بیمه‌گر خواهد بود و بیمه‌گذار حقی نسبت به آنچه بیمه‌گر از طریق فروش بازیافتی و یا دریافت خسارت از مسئول حادثه وصول می‌نماید، ندارد. حتی اگر مبلغ وصولی از خسارت پرداخت شده بیشتر باشد.

در ترک مالکیت همه تبعات بازیافتی اعم از مثبت یا منفی به بیمه‌گر تعلق می‌گیرد. به این معنی که هم عواید حاصل از فروش بازیافتی متعلق به بیمه‌گر می‌باشد و هم هزینه‌هایی که در صورت عدم تمایل بیمه‌گذار در انتخاب طریق ترک مالکیت به منظور مطالبه خسارت از بیمه‌گر به عهده وی قرار می‌گرفت. مثلاً در صورت غرق شدن کشتی در آب‌های ساحلی، مالک کشتی تعهد دارد، بقایای کشتی آسیب دیده را از محل حادثه به جای دیگری منتقل کرده و ساحل را پاک‌سازی نماید. بدیهی است انجام این کار مستلزم صرف هزینه می‌باشد و در صورت پرداخت خسارت به روش ترک مالکیت، این هزینه‌ها به عهده بیمه‌گر خواهد بود.

در حالی که در رابطه با حق جانشینی، تبعات منفی مترتب بر این حق متوجه بیمه‌گر نمی‌باشد. البته در این باره می‌توان گفت چنانچه در مواردی استفاده از حق جانشینی بیمه‌گر، مستلزم پرداخت هزینه و حقوق و عوارضی باشد که مجموعاً از آنچه بازیافت می‌شود، تجاوز می‌نماید؛ بیمه‌گر از حق جانشینی خود صرف نظر خواهد کرد. زیرا جانشینی، حقی است که استفاده از آن بستگی به نظر بیمه‌گر دارد و الزامی در اعمال این حق وجود ندارد. به هر حال، طرح سؤال فوق ناظر بر این بحث حقوقی است که آیا حق جانشینی بیمه‌گر حق ذاتی است یا تبعی. منظور از حق ذاتی، حقی است که صاحب آن حق، طبق قانون یا براساس قراردادی که خود یک طرف آن است از آن حق برخوردار بوده و می‌تواند اعمال حق کند. حق تبعی حقی است که در اصل متعلق به شخص معینی است اما به دیگری تفویض می‌شود. مثلاً در رابطه با حق قائم‌مقامی بیمه‌گر، در اصل، بیمه‌گذار که مالک مورد بیمه می‌باشد، حق دارد خسارت وارده را از مسئول حادثه مطالبه نماید. لکن چون بیمه‌گذار خسارت خود را از بیمه‌گر دریافت می‌کند، حق مطالبه خسارت از مسئول حادثه به بیمه‌گر تفویض می‌شود در نتیجه این حق برای بیمه‌گر، تبعی محسوب می‌گردد.

با این حال در حقوق کشورهای اروپایی این نظریه نیز طرفدار دارد که وقتی بیمه‌گذار خسارت خود را از بیمه‌گر دریافت کرد دیگر حقی ندارد که آن را به بیمه‌گر تفویض کند و اگر بیمه‌گر مبادرت به اخذ خسارت از مقصر حادثه می‌کند به این علت است که وی با پرداخت خسارت، متحمل زیان می‌شود و چون مسبب این زیان، شخص شناخته شده‌ای می‌باشد، بیمه‌گر قانوناً حق دارد جهت جبران زیان خود به مسئول حادثه مراجعه نماید.

نتیجه حقوقی که از این بحث عاید می‌شود این است که اگر حق جانشینی بیمه‌گر را حقی ذاتی تلقی کنیم در مواردی که بیمه‌گذار کل خسارت خود را از بیمه‌گر دریافت نکند، حق دارد برای دریافت بقیه خسارت به مسئول حادثه مراجعه نماید. این در حالی است که بیمه‌گر نیز جهت دریافت خسارتی که به بیمه‌گذار پرداخته به مسئول حادثه مراجعه می‌کند. بین او و بیمه‌گذار تفاوتی از نظر حق تقدم در مراجعه به مسئول حادثه وجود نخواهد داشت. در حالی که اگر حق قائم‌مقامی بیمه‌گر تبعی فرض شود، بیمه‌گذار در مراجعه به مسئول حادثه نسبت به بیمه‌گر حق تقدم دارد به این معنی که مسئول حادثه موظف است ابتدا بقیه خسارت بیمه‌گذار را که توسط بیمه‌گر پرداخت نشده جبران نماید و سپس خسارت مورد مطالبه بیمه‌گر را پرداخت نماید. البته چنانچه مسئول حادثه نسبت به کل خسارت متعهد باشد، مشکلی پدید نخواهد آمد. اما اگر مسئول حادثه نسبت به کل خسارت متعهد نباشد، ممکن است بیمه‌گر نتواند تمام یا بخشی از خسارت پرداختی به بیمه‌گذار را از وی وصول نماید.

در رابطه با وسعت حق جانشینی باید توجه داشت که هر گاه بیمه‌گر منافع مترتب بر مال مرهونه را بیمه کرده باشد، چنانچه آن مال تلف شود و بیمه‌گر خسارت آن مال را بپردازد، جانشین حق مرتهن در مقابل راهن خواهد شد. همچنین، هر گاه بیمه‌گر بازپرداخت وامی را بیمه کرده باشد و مدیون از ادای وام امتناع نماید، بیمه‌گر پس از پرداخت مبلغ وام از حق جانشینی علیه مدیون استفاده خواهد کرد و نیز هر گاه انباردار مالی را که در اختیار او گذاشته شده بیمه نموده و صاحب مال نیز جداگانه آن مال را بیمه کرده باشد در این صورت بیمه‌گر مال پس از پرداخت خسارت به صاحب مال با استفاده از حق جانشینی به انباردار یا بیمه‌گر او مراجعه و مطالبه خسارت خواهد کرد. در این صورت بیمه‌گر صاحب مال بیش از خسارت پرداختی حق دریافت خسارت نخواهد داشت.

بازیافت خسارت

LOSS RECOVERY

اصطلاح «بازیافت خسارت» هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که زیان‌دیده برای جبران خسارت خود به شخص یا اشخاص مسئول حادثه مراجعه می‌کند و به بیان دیگر، خسارت وارد به خود را بازیافت می‌نماید. در صورت لزوم، دستگاه‌های قضایی نیز با استناد



به قوانین مسئولیت، برای دریافت حق زیان دیده به او کمک می‌کنند. بنابراین، بازیافت خسارت الزاماً ربطی به صدور بیمه‌نامه و مداخله بیمه‌گر ندارد؛ ولی از آنجا که بسیاری از اشخاص - و با پیشرفت بیمه، بهتر است بگوییم تمام اشخاص - خسارت‌های احتمالی وارد به خود را تحت پوشش‌های بیمه‌ای قرار می‌دهند و می‌توانند با استفاده از مزایای بیمه‌ها، خسارت‌ها را از بیمه‌گران دریافت کنند، مراجعه زیان دیده به منظور بازیافت خسارت از شخص مسئول منتفی می‌شود؛ زیرا وصول خسارت از دو مرجع، یعنی مسئول و بیمه‌گر، خلاف اصول حقوقی و بیمه‌ای است.

به همین دلیل هر وقت خسارتی برای بیمه‌گذار ایجاد می‌شود به حکم ماده ۳۰ قانون بیمه، پس از پرداخت خسارت یا قبول آن از طرف بیمه‌گر، حق مراجعه به مسئول به بیمه‌گر منتقل می‌شود و این مسئله مهم‌ترین نتیجه اصل جانشینی است که از اصول اساسی تأسیس بیمه می‌باشد. در مبحث حق جانشینی، بحث بازیافت خسارت توسط بیمه‌گر مطرح شد و به برخی از نکات مهم آن اشاره گردید.

در این بخش تلاش می‌شود از تکرار مطالب گفته شده پرهیز شود در نظر داریم نکاتی را که بیشتر جنبه عملی دارد مورد بررسی قرار دهیم و برای بعضی از مشکلات اجرایی که در رابطه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار پیش آمده و پیش خواهد آمد، راه‌حل‌هایی ارائه نماییم.

۱- بیمه‌های بدنه اتومبیل

در بیمه‌های اتومبیل عموماً به دلیل وجود فرانشیز، بیمه‌گذار خسارت کامل را از بیمه‌گر دریافت نمی‌کند. بنابراین، همه بازیافت خسارت، مشمول حق جانشینی بیمه‌گر نمی‌شود. به عبارت دیگر، همان‌طور که در ماده ۳۰ قانون تصریح شده است، بیمه‌گر تا میزان خسارتی که به بیمه‌گذار پرداخت نموده و یا پرداخت آن را تعهد کرده است، حق رجوع به مسئول را حادثه دارد. بنابراین، بابت فرانشیز که از طریق بیمه‌گر جبران نمی‌شود، حق مراجعه برای بیمه‌گذار باقی می‌ماند. همچنین اگر مبلغ بیمه کافی نباشد و بیمه‌گر با اعمال ماده ۱۰ قانون، فقط بخشی از خسارت را جبران کند، بخش باقیمانده خسارت توسط بیمه‌گذار قابل مطالبه است.

به خاطر داشته باشیم که در خسارت کلی و بخصوص در صورت سرقت اتومبیل، مبلغ فرانشیز حدود بیست درصد ارزش اتومبیل است. بنابراین، بیمه‌گذار ناگزیر است برای این بخش از خسارت خود از حق بازیافت استفاده کند. پس از کشف اتومبیل مسروقه این حق بیمه‌گذار به قوت خود باقی است. لذا در صورت سرقت اتومبیل، بیمه‌گر نایستی متوقع باشد که با پرداخت هشتاد درصد خسارت، مالکیت کامل اتومبیل مسروقه را در اختیار بگیرد. برای حل این گونه مشکلات می‌توان در زمان انتقال رسمی سند مالکیت، بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار تفاهمی برقرار کرد؛ به این ترتیب که در صورت کشف اتومبیل، بیمه‌گر معادل بیست درصد قیمت روز خودرو را به بیمه‌گذار پرداخت نماید.

در مورد سایر اموال بیمه‌شده که به سرقت می‌رود نیز مسئله به همین ترتیب است. حتی بیمه‌گذار می‌تواند از بیمه‌گر بخواهد که در بیمه‌نامه تصریح کند که در صورت سرقت موضوع بیمه - مثلاً فرش یا تابلو یا اشیاء قیمتی دیگر - اگر مال مسروقه کشف شد، خسارت به بیمه‌گر بازگردانده شده و مال بیمه‌شده عیناً تحویل بیمه‌گذار شود.

۲- بیمه‌های باربری کالا

در بیمه‌های باربری کالا، قراردادی که به بارنامه (یا راه‌نامه) معروف است رابطه حقوقی بین صاحب کالا و موسسه حمل را تنظیم می‌کند. در این قرارداد، مسئولیت موسسه حمل مشخص است. بنابراین در صورت تلف شدن تمام یا بخشی از محموله، موسسه حمل بر اساس شرایط بارنامه، متعهد به جبران خسارت است. اگر محموله، تحت پوشش بیمه‌ای نباشد، صاحب کالا برای جبران خسارت به موسسه حمل مراجعه خواهد کرد. ولی از آنجا که معمولاً کالا پوشش بیمه‌ای دارد - به خصوص اگر پوشش بیمه‌ای کامل (بیمه‌نامه با شرط A) باشد - بیمه‌گر خسارت وارده را جبران خواهد کرد و با استفاده از حق جانشینی به موسسه حمل مراجعه خواهد نمود.

در این نوع بیمه نیز بایستی توجه داشت که اولاً در صورت وجود شرط فرانشیز و یا در صورت عدم کفایت مبلغ بیمه، حق جانشینی بیمه‌گر کامل نیست، بلکه در حدود خسارتی که می‌پردازد حق جانشینی دارد. بیمه‌گذار برای بخش باقی‌مانده خسارت خود، می‌تواند از حق بازیافت خسارت استفاده کند. ثانیاً در قراردادهای بیمه بر اساس بعضی مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت، موسسه حمل محدودیت‌هایی دارد و حق بازیافت و در نتیجه حق جانشینی بیمه‌گر محدود است و عملاً صد خسارت توسط بیمه‌گر قابل بازیافت نیست. از جمله این محدودیت‌ها الزام صاحب کالا به اعلام خسارت ظرف مدت معینی (مثلاً ۹ ماه) می‌باشد. بنابراین، اگر صاحب کالا در اعلام خسارت به موسسه حمل و یا بیمه‌گر اهمال کند، حق بازیافت منتفی و یا اصطلاحاً مشمول مرور زمان شود و این به زیان بیمه‌گر است و بیمه‌گران نیز در چنین مواردی خسارت را به طور کامل جبران نمی‌کنند.

۳- بیمه‌های درمان

گرچه در بیمه‌های اشخاص، معمولاً بحث حق جانشینی وجود ندارد و مبالغی که بیمه‌گر در صورت فوت یا نقص عضو اشخاص بیمه‌شده می‌پردازد، خسارت تلقی نمی‌شود تا بازیافت آن مطرح باشد؛ ولی از آنجا که بیمه‌های درمان با بیمه‌های عمر و حوادث شخصی در یک جا طبقه‌بندی می‌شوند، پرداخت هزینه درمان کیفیت جبران خسارت را دارد. لذا به نظر بعضی کارشناسان، حق بازیافت خسارت در این بیمه‌ها نیز وجود دارد و شخص مصدوم می‌تواند هزینه درمان خود را از عامل حادثه مطالبه و بازیافت کند. اگر این هزینه توسط بیمه‌گر پرداخت شود، بیمه‌گر جانشین او می‌گردد. به همین لحاظ برخی از موسسات بیمه اجتماعی در مواردی برای جبران هزینه‌های پزشکی به مسئول حادثه مراجعه می‌کنند.